

عطایای روحانی و کاربرد آنها (۶)

عطایای دائمی (قسمت اول)

(اول قرن‌تین ۸:۱۲-۱۰ و رومیان ۶:۱۲-۸)

در جلسات گذشته بررسی بخش هدایای انسانی یا فردی را پشت سر گذاشتیم و از این درس به بعد، پس از مقدمه‌ای به بررسی ۱۱ عطای دائمی از اول قرن‌تین باب ۱۲: ۸-۱۰ و رومیان ۶:۱۲-۸ خواهیم پرداخت.

مقدمه

آیا تا کنون رقابت‌های ورزشکاران المپیک را دنبال کرده‌اید؟ مشاهده این رقابتها بسیار جالب است چون آنچه ما در این رقابت‌ها شاهدیم حاصل سال‌ها تمرینات سخت همراه با رعایت رژیم‌های غذایی و گذشتن از مسابقات کشوری و شکستن رکوردهای مختلف می‌باشد. هر کدام از این ورزشکاران نماینده بهترینها در کشورشان هستند.

یک شخص عادی اگر بخواهد خود را با آنچه این ورزشکاران ماهر انجام می‌دهند مقایسه کند متوجه تفاوت زیادی در توانایی خود با آنها خواهد بود. تماشای اینکه بدن انسان در حد نهایی توان خود چگونه عمل میکند شگفت‌انگیز است. این مسئله درست در رابطه با توانایی کلیسا با استفاده از عطایای روحانی میباشد. وقتی ایمانداران عطایای روحانی‌شان را بکار می‌گیرند دنیا شاهد تفاوت بسیار زیاد قدرت خدا در زندگی آنان خواهد شد. کلام خدا در این رابطه می‌گوید:

اشعیا ۴۰:۳۱ آنانی که منتظر خداوند می‌باشند قوت تازه خواهند یافت و مثل عقاب پرواز خواهند کرد. و خواهند دوید و خسته نخواهد شد. خواهند خرامید و درمانده نخواهند گردید.

افسیسیان ۳:۲۰ جلال بر خدایی باد که قادر است به وسیله آن قدرتی که در ما کار می‌کند، خیلی بیشتر از آنچه ما بخواهیم و حتی تصور کنیم عمل کند.

جداً اگر هر شخص ایماندار حداکثر توانی را که خدا به او داده استفاده می‌کند چه دگرگونی در دنیا رخ میداد. هدف و اراده خدا دقیقاً همین است. یعنی تجهیز کلیسا با عطایای فوق‌العاده خود تا با بکارگیری آنها بتواند بطور شگفت‌انگیزی عمل کند. شاید سوال کنید که این چگونه امکان پذیر است.

اگر در دنیا ورزشکاران قادر به بکارگیری از تک تک ماهیچه‌های خود در رقابت‌ها هستند خدا نیز قادر است بدن مسیح (کلیسا) را با استفاده از عطایای روحانی به طرز شگفت‌انگیزی برای جلالش در دنیا به کار بگیرد. این دقیقاً هدف از کاربرد عطایای روحانی در کلیساست. به همین دلیل است که در مبحث عطایای روحانی در اول قرن‌تین باب ۱۲ وقتی پولس رسول به آیه ۱۲ میرسد به تشریح کلیسا بعنوان یک بدن و عملکرد اعضای آن می‌پردازد.

اول قرن‌تین ۱۲:۱۲ بدن انسان، واحدی است که از اعضای بسیار تشکیل شده و اگرچه دارای اعضای متفاوت می‌باشد، باز هم بدن واحد است و مسیح هم همین‌طور می‌باشد.

یک نکته ظریف و بسیار بسیار مهمی که باید به آن توجه داشت این است که به همان نسبت که خدا از عطایای روحانی برای رشد کلیسا و پیش برد ملکوت خدا استفاده می کند شیطان نیز در جعل آن برای ویرانی کلیسا و پیش برد اهداف شرورانه خود به کار میگیرد. به همین دلیل است که باید از آنها اطلاع دقیق داشت.

پس اگر قرار باشد بدن مسیح باعث جلال خدا در دنیا باشد باید از عطایای روحانی ای که خدا با فیض خود به کلیسا بخشیده استفاده کند.

چهار نتیجه خوب از کاربرد صحیح اعضای بدن مسیح / کلیسا

وقتی بدن مسیح (کلیسا) درست عمل کند چهار نتیجه خوب را به همراه خواهد داشت.

(۱) اولین نتیجه خوب از عملکرد یک بدن یا کلیسای سالم برکت یافتن آن هست.

وقتی خدمات کلیسایی توسط افراد حرفه ای و کارکشته انجام شود، همه از ثمر آن برکت خواهند یافت. بنابراین یکی از دلایلی که خدا کلیسا را بطور یک بدن از اعضای مختلف بکار می گیرد این است که می خواهد همه از برکات پُری آن بهرمنند شوند.

(۲) دومین نتیجه مثبت از عملکرد یک کلیسای سالم، این است که همه شاهد قدرت و پویایی آن خواهند بود.

پویایی یک گروه نجات یافته فعال در مقابل جامعه بی ایمان کاملاً محسوس است. هنگامیکه پطرس عطای نبوت یا اعلام حقیقت را در روز پنطیکاست بکار گرفت باعث نجات ۳۰۰۰ نفر از شنوندگانش شد.

همچنین وقتی سایر شاگردان عطایایشان را در مشارکت با هم به کار گرفتند خدا هر روزه ناجیان را بر کلیسا می افزود چون مردم پویایی محبت آنها را میدیدند و میخواستند در آن شریک شوند.

اعمال رسولان نتیجه مشارکت عطایای روحانی را در بین بی ایمانان به طرز زیبایی بیان می کند.

(۳) یکی دیگر از نتایج بارز یک بدن سالم با عملکرد خوب این است که رهبران در آن رشد میکنند.

هنگامیکه اعضای کلیسا به طرز صحیحی فعالیت کنند، رهبران خوب و سالم نیز بین آنان به ظهور رسیده رشد میکنند.

رهبری، شاخه های مختلفی در کلیسا دارد. امروزه به دلیل نیاز شدید کلیسا به رهبران خوب مطالب زیادی در رابطه با "مدیریت کلیسا" موجود است.

اعضا بدون وجود رهبران خوب قادر به پیشرفت نخواهند بود. بنابراین، وجود رهبران مناسب در کلیسا الزامیست.

جای تعجب است وقتی میبینیم که کلیساها برای به کارگیری از رهبران دست به چه کارهایی میزنند.

به عنوان مثال: به کارگیری سیاست ها و روش های مدیریتی بازار و تجارت خانه ها در کلیسا از این جمله می باشند. این همان عارضه (Strong Natural Leader) SNL یا "کاسب یا مدیر موفق" می باشد و از آنجائیکه برخی کلیساها هر روز بیشتر به شباهت این دنیا در می آیند خیلی سریع روش ها و استانداردهای این دنیا را نیز به خود می گیرند.

مثلاً برای حل مشکلات زناشویی اعضای کلیسا، روان شناس استخدام می کنند یا به جای تعلیم کلام خدا، روان شناسی آموزش می دهند.

برای حل مشکل جوانان از مددکاران اجتماعی کمک می گیرند.

برای ارتقاء سطح پرستش از خوانندگان و نوازندگان دنیوی استفاده می کنند و می گویند بیائید از این روش پرستشی قدیمی بیرون بیائیم و با استفاده از هیجان در رقص با پرچم و لباس های رنگی حال و هوای مدرن امروزی به آن بدهیم.

به اینصورت افرادی ماهر و متخصص غیر روحانی جذب خدمات کلیسایی می شوند.

در صورتیکه آنچه خدا می خواهد در رهبر و مدیران کلیسا ببیند وجود عطایای مشخص روحانی با کیفیت اخلاق و روحانیت بالاست.

چنانچه کلیسا بجای استفاده از روش های دنیوی، به روش های کلام خدا عمل کند، خدا نیز رهبران توانا و با صلاحیت و پر از روح و عطایای روحانی به کلیسا خواهد بخشید. رهبران پر از روح هنگامی در کلیسا ظاهر می شوند که خدا بتواند در بدن آزادانه فعالیت کند.

۴) یکی دیگر از مزایای یک بدن سالم و توانا رشد اتحاد و یکدلی در کلیساست.

در چنین کلیسایی محبت و مشارکت به زیبایی و بدون ریا عمل میکند. نیاز ایمانداران به راحتی برطرف میشود و بی ایمانان مشتاق پیوستن و ملحق شدن به کلیسا میباشند. کلید ایجاد این نوع رابطه در استفاده از عطایای روحانی میباشد. خدا عطایای روحانی را از ایمانداران جاری میکند.

حال بیائید به ادامه بررسی شناخت این عطایا پردازیم.

عطایای دائمی، همانطور که از نامشان پیداست، در تمام اعصار برای پیش برد ملکوت و جلال خدا بکار گرفته می شوند.

دو نوع عطایای دائمی

در اول پطرس ۱۰:۴ میخوانیم.

ترجمه قدیمی: و هر یک بحسب نعمتی که یافته باشد، یکدیگر را در آن خدمت نماید، مثل وکلاء امین فیض گوناگون خدا.

ترجمه هزاره نو: همچون کارگزاران امین بر فیض گوناگون خدا، یکدیگر را با هر عطایی که یافته‌اید خدمت کنید.

ترجمه عصر جدید: به عنوان کسی که برکات گوناگون خدا را یافته است، استعدادها و عطایای خود را برای خیریت دیگران به کار ببرید.

ترجمه تفسیری: خداوند به هر یک از شما عطای خاصی بخشیده است؛ این عطایا را برای کمک به هم بکار گیرید و به این وسیله، یکدیگر را از برکات و مواهب پرتنوع خدا بهره‌مند سازید.

بنابراین خیلی روشن اشاره می‌کند که هر کس، هر عطایی که از خدا یافته است، که احتمالاً ممکن است ترکیبی از چند عطا باشد را برای خدمت به دیگران بکار بگیرد.

پطرس بعد از این سخن، به دو گروه عطایا اشاره می‌کند.

آیه ۱۱ اگر کسی سخن گوید، مانند اقوال خدا بگوید و اگر کسی خدمت کند، برحسب توانایی که خدا بدو داده باشد بکند تا در همه چیز، خدا بواسطه عیسی مسیح جلال یابد که او را جلال و توانایی تا ابدالابد هست، آمین. (ترجمه کلاسیک)

بنابراین، برای سهولت کار، فهرست عطایای دائمی را به دو گروه عطایای گفتاری و عطایای خدمتی تقسیم بندی کردیم که از این قرار می‌باشند.

(۱) پنج عطایای گفتاری عبارتند از:

(۱) عطای نبوت (۲) کلام علم (۳) کلام حکمت (۴) عطای تعلیم (۵) عطای تشویق / تقویت

و گروه دوم شامل

(۲) شش عطایای خدمتی می‌باشند که از این قرارند.

(۱) رهبری (۲) کمک (۳) بخشش (۴) رحمت (۵) ایمان (۶) تمیز ارواح

البته از آنجائیکه تمام عطایا در خدمت بکار گرفته می‌شوند و خدمات نیز شامل قسمت‌های گفتاری هستند نمی‌توان این تقسیم بندی را کامل دانست. اما با توجه به آنچه در اینجا پطرس مطرح می‌کند ما همین تقسیم بندی را می‌پذیریم.

پنج عطای گفتاری

لیست پنج عطای گفتاری را در رومیان ۶:۸-۸ و اول قرن‌تینان ۸:۱۲-۱۰ میتوان یافت که از این قرارند.

(۱) نبوت (۲) کلام علم (۳) کلام حکمت (۴) عطای تعلیم (۵) عطای تشویق / تقویت

(۱) عطای نبوت

اولین عطای گفتاری نبوت می باشد. اختلاف نظر زیادی بر سر کاربرد یا عدم کاربرد امروزی آن می باشد. برخی بر این باورند که عطای نبوت در گذشته بوده و الان کاربرد ندارد. این گروه بر مبنای اول قرن‌تینان ۸:۱۳ می گویند که این عطا باید از میان برداشته شده باشد.

اول قرن‌تینان ۸:۱۳-۱۰ محبت هرگز ساقط نمی شود و اما اگر نبوتها باشد، نیست خواهد شد و اگر زبانها، انتها خواهد پذیرفت و اگر علم، زایل خواهد گردید. زیرا جزئی علمی داریم و جزئی نبوت می نماییم، لکن هنگامی که کامل آید، جزئی نیست خواهد گردید. (ترجمه کلاسیک)

آنها می گویند، در این آیه "هنگامی که کامل آید" منظور "کتابمقدس" است که با تکمیل آن، کاربرد عطای نبوت، زبانها و علم متوقف شده است.

البته این آیه ای است که بسیاری برای حذف کاربرد عطای زبانها از آن استفاده می کنند و چون عطای نبوت و کلام علم در همین آیه آمده کاربرد آنها نیز خود به خود حذف می گردد.

البته باید در نظر داشت که اینکار قدری مشکل ایجاد می کند، که دلیل آنرا، وقتی به بررسی اول قرن‌تینان ۸:۱۳ رسیدیم به تفصیل بررسی خواهیم کرد.

اما برای شروع مطالعه این قسمت، فرض را بر این می گیریم که کاربرد نبوت خاتمه نیافته است چون هنوز به اول قرن‌تینان باب ۱۳ نرسیده ایم، و اکنون در باب ۱۲ بسر می بریم.

عطای نبوت یا "Prophatea" گرفته شده از فعل "prophtue" که از ریشه "prophamea" یعنی "سخن گفتن" گرفته شده به معنی "سخن گفتن در مقابل جمع" می باشد.

نبوت یعنی در جمع اعلام کردن که در مفهوم این کلمه، نمی توان به مفاد آن پی برد.

یعنی نمی توان گفت که آیا سخنی که بیان می شود درباره گذشته حال و یا پیشگویی از آینده است و یا اینکه مطلب بیان شده یک مکاشفه یا غیر مکاشفه ایست. به این مفهوم که آیا مستقیماً از خدا دریافت شده یا تکرار مطالبی است که خدا قبلاً از طریق انبیا و رسولان اعلام کرده است. این عطا فقط یک عطای ناطق و گویاست، محتوایش مشخص نیست. بنابراین، مفهوم "سخن گفتن از آینده" را نمی توان از آن برداشت نمود.

گفته شده که مفهوم پیشگویی بعدها در زمان قرون وسطی در انگلیسی به واژه "نبوت" اضافه شده است. در دوران باستان یک شخص عبری یا یونانی خوب به مفهوم این واژه آشنایی داشت.

پس نبوت بطور ساده یعنی "سخن گفتن در جمع". بنابراین با توجه به تعریف آن، عطای نبوت به مفهوم قابلیت اعلام حقایق الهی می باشد.

اول قرن‌تینان ۳:۱۴ در درک این موضوع بما کمک خواهد کرد.

اول قرن‌تینان ۳:۱۴ اما آنکه نبوت می کند، مردم را برای بنا و نصیحت و تسلی می گوید. (ترجمه کلاسیک)

پس نبوت برای نصیحت، تسلی و بنای مردم است. ساده ترین تعریف آن این است که بگوئیم نبوت اعلام حقیقت است.

در طول تاریخ، خدا همیشه کسانی را داشته که سخنگوی او باشند. وظیفه اصلی انبیاء عهدعتیق سخن گفتن از جانب خدا بود. آنها پیامهای خدا را اعلام می کردند. گاهی اوقات مطالب مربوط به گذشته، گاهی حال و گاهی آینده بود.

با خواندن کتاب حبقوق یا سایر انبیاء کوچک خواهید دید که آنها اغلب به کارهایی که خدا در گذشته انجام داده بود، اشاره می کردند و فقط یک سوم از محتوای پیام اعلام شده انبیاء مربوط به آینده بود.

بنابراین نبوت همیشه جنبه پیشگویی نداشته. پطرس در رابطه با نبوت چنین میگوید.

دوم پطرس ۲۱:۱ زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد: بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده، از جانب خدا سخن گفتند. (ترجمه کلاسیک)

خدا در عهدجدید خود را بار دیگر آشکار می کند، اراده اش را مکشوف می سازد و برای رسولانش پرده از اسرار بر می دارد.

عیسی به شاگردان گفت که روح القدس سخنانم را به یاد شما خواهد آورد و آنها را خواهند نوشت. نویسندگان عهدجدید مدعی هستند که تحت نفوذ و الهام روح القدس مطالبشان را نوشتند. آنها کلام خدا را اعلام نمودند. یوحنا میگوید:

مکاشفه ۳:۱ و خوشا به حال کسی که این را می خواند و کسانی که به کلمات این نبوت گوش میدهند و طبق آنچه در آن نوشته شده است، عمل می کنند. (ترجمه کلاسیک)

بنابراین مهمترین وظیفه انبیاء در عهدعتیق و عهدجدید اعلام حقایق کلام خدا بود. امروزه هم مهمترین وظیفه کلیسا اعلام حقایق کلام خداست. این ماموریت خطیر هرگز از بین نخواهد رفت. این نه تنها اراده خداست بلکه از اهمیت و الویت خاصی برخوردار میباشد. به همین خاطر است که پولس در اول قرنتیان ۱:۱۴ چنین سفارش میکند.

اول قرنتیان ۱:۱۴ در پی محبت بکشید و عطایای روحانی را به غیرت بطلبید، خصوصاً اینکه نبوت کنید. (ترجمه کلاسیک)

و در آیه ۳۹ همان باب ادامه میدهد که:

اول قرنتیان ۳۹:۱۴ پس ای برادران، نبوت را به غیرت بطلبید. (ترجمه کلاسیک)

از آنجائیکه اعلان حقایق کلام خدا از اهمیت بالایی برخوردار است، پولس به همه سفارش می کند که با غیرت در انجام آن بکوشند. دلیل دیگر اینکه، نبوت در خدمت به ایمانداران بکار میرود.

اول قرنتیان ۳:۱۴ میگوید: "اما آنکه نبوت می کند، مردم (ایمانداران) را برای بنا و نصیحت و تسلی میگوید." پس نبوت با "بنا کردن"، "نصیحت کردن" و "تسلی دادن"، ایمانداران را خدمت میکند.

اهمیت آن حتی در خدمت به بی ایمانان نیز مشهود است. در آیه ۲۴ و ۲۵ (اول قرن ۱۴) پولس میگوید:

دوم قرن ۱۴: ۲۴-۲۵ اما اگر همه نبوت کنید، حتی اگر این پیغام ها بیشتر برای ایمانداران مفید باشد، و همان موقع یک غیر مسیحی یا یک نوایمان وارد شود، با شنیدن این پیغامهای الهی وجدانش بیدار خواهد شد و پی خواهد برد که گناهکار است. آنگاه پرده از افکار پنهان او برداشته شده، به زانو خواهد افتاد و خدا را پرستش کرده، خواهد گفت که حقیقتاً خدا در میان شماست. (ترجمه کلاسیک)

بنابراین چون نبوت یا اعلان حقایق کلام خدا هم به ایمانداران و هم در میان بی ایمان خدمت ارزنده ای انجام می دهد، پولس سفارش اکید دارد که با غیرت در بکارگیری از این عطاى فوق العاده بکوشیم.

دو نوع نبوت

می توان نبوتها را به دو نوع تقسیم بندی کرد.

نوع اول نبوت هایی هستند که جنبه مکاشفه ای دارند و نوع دوم تکرار حقایق کلام خدا می باشند.

مکاشفه الهی

بطور ساده مکاشفه یعنی کشف آنچه که تا کنون مکشوف نشده، یا بیان آنچه که تا کنون گفته نشده است، یا شناختن ناشناخته ها می باشد. بعبارتی مکاشفه یعنی پرده برداری از چیزهای پنهان. بنابراین وقتی یک نبی مطلبی را که تا کنون گفته نشده اعلام می کند یا آنچه را که از نظر خدا می گذرد آشکار می سازد، در واقع نبوت او جنبه مکاشفه ای دارد.

انبیاء عهدعتیق مثل اشعیاء، حزقیال یا دانیال نبوت های مکاشفه ای خود را اینگونه بیان می کردند:

خداوند می فرماید،

خداوند می گوید،

خداوند یهوه صباوت، قدیراسرائیل می گوید،

کلام خدا بر من نازل شده گفت،

خداوند مرا گفت،

ایشان را بگو خداوند چنین میفرماید،

این است کلامی که از جانب خداوند به ارمیا نازل شده، گفت،

بنابراین خداوند چنین می گوید،

ای خاندان اسرائیل کلامی را که خداوند به شما می گوید بشنوید!

بشنوید و گوش فراگیرید و مغرور مشوید زیرا خداوند تکلم می نماید.

ای پسر انسان تو را برای خاندان اسرائیل دیده بان ساختم، پس کلام را از دهان من بشنو و ایشان را از جانب من تهدید کن:

اما زمانی هم بود که انبیای عهدعتیق فقط کلام خدا را "بازگو، تکرار" یا "یادآوری" می کردند. یعنی آنچه را که خدا قبلاً گفته بود یا انجام داده بود را به مردم یادآور می شدند.

در عهدجدید نیز شاهدیم که خدا به مردان و زنان مکاشفاتی بخشیده. یعنی مطالبی که قبلاً آشکار نشده بود را مکشوف ساخته. برخی از این مکاشفات جنبه عملی داشتند و برخی تعلیمی. مثلاً در اول تیموتاوس ۱:۱۸ و اول تیموتاوس ۴:۱۴ خدا از عده ای از مشایخ می خواهد تا تیموتاوس را برای کار خدمت جدا کنند.

اول تیمو ۱:۱۸ ای فرزند تیموتاؤس، این وصیت را به تو می سپارم برحسب نبوتهایی که سابقاً بر تو شد تا در آنها جنگ نیکو کنی، (ترجمه کلاسیک)

اول تیمو ۴:۱۴ نسبت به عطیه روحانی خود بی توجه نباش، عطیه ای که در وقت دستگذاری تو به وسیله رهبران کلیسا همراه با نبوت آنها به تو داده شد. (ترجمه کلاسیک)

پس آنچه خدا در رابطه با خدمت و زندگی تیموتاوس از طریق مشایخ یا رهبران کلیسا مستقیماً مکشوف کرد مکاشفه الهی بود اما برخی دیگر از نبوتها جنبه تعلیمی داشتند.

بعبارتی بعضی از نبوتها کاربرد شخصی یا ماموریتی و برخی دیگر کتابمقدسی بود.

در اعمال ۲۷:۱۱-۲۸ شخصی بنام آگابوس یک قحطی را پیشگویی می کند و عده ای مسیحی برای کمک به منطقه اعزام می شوند.

یادآوری یا تکرار حقایق کلام

همانطور که گفته شد، نبوت جنبه یادآوری یا تکرار حقایق را نیز داراست.

از آنجائیکه در حال حاضر حقایق کلام خدا در جمع اعلام می شود، می توان نتیجه گرفت که عطا نبوت امروزه هم کاربرد دارد.

هدف از ارائه نبوت در مکاشفه ۱۰:۱۹ چنین آمده:

مکاشفه ۱۰:۱۹ در پیش پای او (فرشته) به خاک افتادم تا او را عبادت کنم، اما او به من گفت: «نه، چنین نکن! من خادمی هستم مانند تو و ایمانداران دیگر که به عیسی مسیح شهادت می دهند، خدا را پرستش کن!» زیرا شهادتی که درباره عیسی داده شده، الهام بخش تمام نبوتهاست. (ترجمه کلاسیک)

پس هر که در رابطه با مسیح شهادت دهد دارد یک عمل نبوتی انجام می دهد. چون مطابق با این آیه شهاداتی که درباره عیسی داده می شوند منشاء تمام نبوتهاست. تذکر کلام خدا در این رابطه چنین است.

اول تسالونیکیان ۵:۱۹-۲۰ روح را اظفا مکنید. نبوتها را خوار بشمارید. (ترجمه کلاسیک)

پولس در اینجا به کلیسا می گوید که از اعلام حقیقت نترسند و راه کاری نیز برای ارزیابی آن ارائه می دهد که از این قرار است.

اول قرن‌تین ۳۷:۱۴ اگر کسی خود را نبی یا روحانی پندارد، اقرار بکند که آنچه به شما می‌نویسم، احکام خداوند است. (ترجمه کلاسیک)

به عبارتی برای محک زدن اینکه آیا شخصی عطای نبوت دارد یا نه، این است که پیامش را با کلام خدا مقایسه کنیم. اگر با تعالیم و پیام‌های کلام خدا مطابقت داشته باشد، درست است در غیر اینصورت نبی کاذب است. پس خوار شمردن نبوت‌های باعث اطفاء یا محدود نمودن کار روح القدس می‌گردد.

مضافاً اینکه پولس در رومیان اضافه می‌کند که:

رومیان ۶:۱۲ ما برحسب فیضی که به ما بخشیده شده است، دارای عطایای گوناگونیم. اگر کسی عطای نبوت دارد، آن را متناسب با ایمانش به‌کار گیرد.

تفسیری: خدا از روی لطف خود، به هر یک از ما نعمت و عطای خاصی بخشیده است تا وظایف خاصی را انجام دهیم. اگر خدا به شما نعمت نبوت کردن داده است، هرگاه مطمئنید خدا از طریق شما سخن می‌گوید، نبوت کنید، یعنی پیغامهای خدا را به کلیسا اعلام نمایید.

باید توجه داشت که در اصل یونانی این آیه، حرف تعریف "تی س"، برای ایمان بکار گرفته شده است. یعنی انگلیسی آن باید "The Faith" ترجمه شود که فارسی آن همان "ایمان کتابمقدسی یا ایمان نجات بخش" است. بنابراین، ترجمه آیه فوق را میتوان اینطور نوشت:

"اگر کسی عطای نبوت دارد، آن را متناسب با ایمانی که از کلام خدا یافته است به‌کار گیرد."

یا به عبارتی ترجمه تفسیری آن را میتوان اینگونه بیان کرد:

"اگر خدا به شما نعمت نبوت کردن داده است، هرگاه مطمئنید خدا از طریق شما سخن می‌گوید، نبوت کنید، یعنی پیغامهای خدا را مطابق با کلامش به کلیسا اعلام نمایید."

یهودا نیز در آیه ۳ رساله اش از همان ایمان سخن می‌گوید یعنی ایمانی که با حرف تعریف بکار برده شده، ایمانی که بر مبنای کلام مکشوف و مکتوب خدا می‌باشد:

یهودا ۳ ای حبیان، چون شوق تمام داشتم که درباره نجات عام به شما بنویسم، ناچار شدم که الآن به شما بنویسم و نصیحت دهم تا شما مجاهده کنید برای آن ایمانی که یک بار به مقدسین سپرده شد. (ترجمه کلاسیک)

پس در اینجا "ایمان" موضوع بحث یا فاعل نیست یعنی مبنای کار نیست بلکه حالت مفعولی دارد یعنی از کتابمقدسی که مبنای آن است تبعیت می‌کند.

بنابراین پولس و یهودا از ایمانی سخن می‌گویند که تابع حقایق کتابمقدس می‌باشد. همین اصل، نوع نبوت را نیز تعیین می‌کند.

یعنی کاملاً مشخص است که نبوت، از نوع مکاشفه ای نیست بلکه جنبه یادآوری حقایق ثبت شده در کلام خداست. عبارتی تکرار آنچه که قبلاً مکشوف شده بود.

پس نتیجه می گیریم که نبوتها در گذشته حالت مکاشفه ای داشتند، اما بعد از اینکه آنها در کتابمقدس به ثبت رسیدند و بسته شدند، کسی حق اضافه یا کم کردن محتوای آنها را ندارد.

به همین دلیل است که در کتاب مکاشفه یوحنا چنین می خوانیم:

مکاشفه ۱۸:۲۲-۱۹ زیرا هر کس را که کلام نبوت این کتاب را بشنود، شهادت می دهم که اگر کسی بر آنها بیفزاید، خدا بلاهای مکتوب در این کتاب را بر وی خواهد افزود. و هر گاه کسی از کلام این نبوت چیزی کم کند، خدا نصیب او را از درخت حیات و از شهر مقدس و از چیزهایی که در این کتاب نوشته است، منقطع خواهد کرد.

در نتیجه، جنبه مکاشفه ای نبوت به انجام رسیده اما جنبه یادآوری و اعلام حقایق مکشوف شده هنوز ادامه دارد. دومین عطا ی گفتاری، عطا ی کلام علم می باشد.

۲) عطا ی کلام علم

اول قرنیتیان ۸:۱۲ از "عطا ی کلام علم" نام می برد. واژه "علم" مفهوم بسیار وسیعی دارد. اما چون در اینجا نام این عطا ی روحانی از ترکیب دو کلمه "کلام علم" تشکیل شده، می توان آنرا در زمره عطایای گفتاری بشمار آورد.

پس کلام علم را می توان، بیان یا نطق علم نیز ترجمه کرد.

کلمه یونانی "logos" که در اینجا "کلام" ترجمه شده به مفهوم "اعلام مطلبی در جمع یا خصوصی" است. مضافاً اینکه در ترجمه های فارسی عهدجدید، عطا ی کلام علم را، بیان معرف (عصرجدید) و دانستن علم (تفسیری) نیز ترجمه کرده اند. حال با این تفصیل، می توان قدری به جزئیات این عطا پی برد.

عطا ی کلام علم، یعنی توانایی ای که خدا می دهد تا یک شخص بتواند حقایق کلام خدا را بفهمد و از آن نتایج استخراج کند.

جداً برای وجود چنین اشخاصی در "بدن مسیح" باید خدا را شکر کرد. کشیشان و واعظین از آثار و نتیجه کار این افراد استفاده می کنند تا قادر به تهیه موعظه و مطالب درسی شان باشند.

اگر به یک کتابخانه مسیحی یا دانشگاهی مراجعه کنید، در آنجا شاهد کتابهای مرجعی خواهید بود که حاصل سالها زحمت افرادی است که با استفاده از عطا ی کلام علم حقایق کتابمقدس را استخراج نموده به ثبت رسانده اند، و ما امروزه به راحتی از آنها بهرمنند می شویم. پس کلام علم عطا ی بسیار گرانبهائست.

این عطا هم میتواند در افراد تحصیل کرده و هم اعضای ساده کلیسا بکار گرفته شود. عطا ی کلام علم نیز میتواند با همکاری عطایای دیگر از جمله کلام حکمت بکار برده شود.

کلام علم نیز، مثل عطا ی نبوت، در گذشته جنبه مکاشفه ای داشته، یعنی در گذشته شخصی می آمد و می گفت این حقیقت یک اصل الهی است و آن را اعلام می کرد.

بعبارتی، مطالب را مستقیماً از زبان خدا بیان می کرد.

با خواندن افسسیان باب ۳، کولسیان باب ۱ به این نتیجه می رسیدیم که پولس رسول این عطا را دارا بود.

اما گاهی اشخاصی که این عطا را داشتند با مطالعه مکاشفه ثبت شده خدا، حقایق و اصول آموزنده ای را از آن استخراج و نتیجه گیری می کردند.

واژه علم ۳۰۰ بار در عهدجدید با معانی مختلف استفاده شده است و با توجه به موارد گسترده اش نمیتوان آنرا فقط به نوع مکاشفه الهی محدود نمود.

کلام خدا ایمانداران را تشویق به آگاهی و کسب علم می کند. اول قرنیتیان ۲:۱۳ آنرا دانستن تمام اسرار ترجمه کرده است. عطای علم به نوعی درایت و آگاهی از اسراری که اکنون مکشوف شده اند اشاره دارد. در دنیای مسیحیت ما دانشمندان، نویسندگان و محققینی را داریم که کارشان فقط تحقیق و تفحص کلام خدا و علوم مربوط به آن می باشد.

آنها حقایق و اصول علم الهی را از کتابمقدس استخراج می کنند و با ثبت و نگارش یا حتی آموزش، آنها را در معرض عموم قرار می دهند.

سومین عطای گفتاری عطای کلام حکمت می باشد.

(۳) عطای حکمت / بیان حکمت (اول قرنیتیان ۸:۱۲)

عطای کلام حکمت نیز از جمله عطایای گفتاری محسوب می شود و در کلیسای اولیه جنبه مکاشفه ای داشت.

کلمه "Sophia" نیز در عهدجدید با مفاهیم مختلف استفاده شده، و مشکل است که بتوان آن را فقط به مفهوم مکاشفه ای محدود کرد.

تأکیدی که مفهوم این کلمه دارد در مهارت عملی و کاربردی آن است.

حکمت توانایی تهیه کاربردهای مناسب از اصول و حقایقی که عطای کلام علم از کتابمقدس استخراج می کند، می باشد.

این عمل می تواند توسط یک مشاور مسیحی انجام شود. مشاوره که مشکل را شناسایی کرده و با درک و آگاهی اش از کلام خدا، یک راه حل اساسی و عملی را در نظر می گیرد.

این عطای یک واعظ و معلم تشریحی کتابمقدس نیز می باشد که در رابطه با آیات کتابمقدس، کتب مرجع و تفسیری را مطالعه کرده، سپس راه حل های کاربردی و عملی برای زندگی مردم را در نظر می گیرد.

کلام حکمت می تواند توسط کمک یک ایماندار به ایماندار دیگر با حل مشکل او، به کار گرفته شود.

کلام علم با کلام حکمت تفاوت دارد. بطوریکه برخی افراد، اطلاعات زیادی از کتابمقدس دارند، اما آنقدر حکمت ندارند که بتوانند از اطلاعاتشان استفاده کنند.

اینگونه اشخاص وقتی در زندگی شان به مشکل بر می خورند عکس عملهای بسیار عجیبی از خودشان بروز میدهند.

بنابراین حکمت، فن استفاده کاربردی از حقایق است که توسط کلام علم کشف می شود.

کلمه "Sophia" در ۱۲ کتاب از ۲۷ کتب عهدجدید آمده و به پنج صورت از آن استفاده شده است.

این پنج نوع از این قرارند.

- (۱) یکی از صفات خدا
- (۲) توانایی اندیشیدن
- (۳) یکی از القاب مسیح
- (۴) در مخالفت با خدا
- (۵) و درک و فهم اراده خدا (که این مفهوم در عهدجدید بیشترین استفاده را دارد)

برای اطلاع بیشتر می توانید به آیات فوق مراجعه کنید:

(متی ۱۱:۱۹، ۱۳:۵۴ و مرقس ۶:۲ و لوقا ۷:۳۵، ۲۱:۱۵ و اعمال ۶:۱۰ و یعقوب ۱:۵، ۳:۱۳، ۳:۱۷ و دوم پطرس ۳:۱۵، این آیات نمایانگر مفاهیم مختلف حکمت در عهدجدید هستند).

تا اینجا سه عطاى گفتاری یعنی عطاى نبوت، کلام علم و کلام حکمت را بررسی کردیم. همانطور که گفته شد در عصر رسولان به دلیل، بسته نشدن کلام خدا، این عطایا جنبه مکاشفه ای داشتند اما، تنها مورد استفاده آنها فقط جنبه مکاشفه ای آن نبود.

به گفته یکی از بزرگان، کلام علم معلم می ساخت و کلام حکمت در تولید واعظ و شبان نقش داشت.

واعظ دیگری میگفت که:

"کلام علم شامل مجموعه ای از حقایق است و حکمت کاربرد آنها"

چهارمین عطاى گفتاری عطاى تعلیم می باشد.

۴) عطاى تعلیم

عطاى تعلیم در رومیان ۷:۱۲ آمده است.

رومیان ۷:۱۲ "اگر کسی عطاى تعلیم دارد تعلیم دهد." (ترجمه کلاسیک)

نکته جالبی که در متن اصلی این آیه دیده می شود وجود حرف تعریف "تی" قبل از فعل یونانی "دیداسکالیا" که تعلیم ترجمه شده می باشد.

این مسئله باعث می شود که عبارت فوق را بقول انگلیسی ها *The Teaching* یا "آن تعلیم" یعنی تعلیم کلام خدا بخوانیم.

بنابراین می توان این آیه را اینطور ترجمه کرد.

"هر کس که عطای تعلیم دارد خود را وقف تعلیم کلام خدا (یا تی دیداسکالیا) بنماید."

نکته قابل توجه دیگر، تفاوت بین شخصی است که شغل معلمی دارد با شخصی که عطای تعلیم دارد، می باشد. معلمی که حرفه معلمی دارد می تواند مثل هر معلم دیگری به تدریس بپردازد اما کسی که عطای تعلیم دارد توانایی بیان و آموزش حقایق کلام خدا را با قوت و مسح روح القدس، داراست.

بنابراین، همان قدر که تعلیم و تربیت والدین برای کودکان نقش حیاتی دارد، عطای تعلیم نیز، برای اعضای کلیسا بسیار ارزشمند و حیاتی است.

نکته دیگر آنکه واژه یونانی *dedactocast, dedascolos* یا *dedasco* که همه به فارسی "تعلیم" ترجمه شده اند، مفهومی فراتر از یک آموزش ساده دارند. در این کلمات، تعلیم به مفهوم "تربیت" یا "آموزش سیستماتیک (منظم)" می باشند.

مثل رهبر ارکستری که نوازنده یا خواننده گانش را با تمرین های منظم، مرتب و طبقه بندی شده در دراز مدت جهت اجرای کنسرت تربیت و آماده می کند.

حال اگر سوال شود که موضوع یا مفاد درسی این برنامه تعلیمی چیست باید گفت کتابمقدس است.

شخصی که عطای تعلیم دارد می تواند عطایش را در تعلیم به یک یا چند هزار نفر بکار گیرد.

توجه داشته باشید که شخصی که عطای نبوت دارد حقیقت مسیح را یک بار اعلام می کند، اما شخصی که عطای تعلیم دارد، طی یک برنامه منظم مردم را از کلام خدا تعلیم و آموزش می دهد.

شاید بتوان گفت که تفاوت این دو عطا در تداوم انجام آنهاست.

پنجمین و آخرین عطای گفتاری از عطایای دائمی، عطای تشویق می باشد.

(۵) عطای تشویق / تقویت

رومیان ۸:۱۲ به پنجمین عطای گفتاری یعنی تشویق اشاره می کند. در اینجا کلمه یونانی *Paracalan. Paraclete. Paracletas* به مفهوم تسلی، یاری یا تقویت می باشد.

این لغت، برای روح القدس یعنی تسلی دهنده بکار گرفته شده. خدا به کلیسایش افرادی بخشیده که کارشان فقط کشف، اعلان و تعلیم حقایق نیست، بلکه تقویت ایمانداران نیز می باشد.

این افراد مثل نوشابه های انرژی زا، *Energy Drink* یا دو پینگ هستند.

کارشان کمک، تشویق، مشورت و تقویت مسیحیان می باشد.

به عبارتی عطای تشویق قابلیت کمک و تقویت مردم نیازمند با کمک روح القدس است.

این عطا می تواند همراه با اعلام حقیقت از بالای منبر کلیسا بکار گرفته شود. حتی می تواند با عطای تعلیم یا مشورت همکاری کند. کاربرد تشویق بسیار وسیع است.

کلام خدا از برنابا بعنوان یک مشوق یاد می کند و در این رابطه چنین می گوید.

اعمال ۳۷-۳۲:۴ همه مؤمنان از دل و جان متحد شده بودند و هیچ کس دارایی خود را از آن خود نمی دانست؛ بلکه همه در اموال یکدیگر شریک بودند. رسولان به رستاخیز عیسی خداوند با قدرتی عظیم شهادت می دادند و خدا برکت فراوانی به آنها عطا می فرمود. هیچ کس در میان ایشان محتاج نبود. زیرا هرکس زمینی یا خانه ای داشت آن را می فروخت، پولش را در می آورد و در اختیار رسولان می گذاشت و به این ترتیب بین محتاجان به نسبت احتیاجشان تقسیم می شد. مثلاً یوسف که رسولان او را برنابا یعنی تشویق کننده می نامیدند و از طایفه لای و اهل قبرس بود زمینی داشت. آن را فروخت و پولش را در اختیار رسولان گذاشت. (ترجمه کلاسیک)

پولس پس از ایمان آوردنش بلافاصله در دمشق با غیرت شروع به بشارت رستاخیز مسیح پرداخت. اما بعد از اینکه یهودیان قصد کشتنش را داشتند، مسیحیان او را شبانه از آنجا فراری دادند و او به اورشلیم رفت.

جالب اینجاست که شاگردان از پذیرفتن پولس می ترسیدند چون پذیرفتن اینکه او واقعاً پیرو عیسی مسیح شده است، برایشان مشکل بود، اما کلام خدا در رابطه با نقش برنابا در تشویق آنها چنین می گوید.

اعمال ۲۶:۹-۲۷ وقتی شائول به اورشلیم رسید سعی نمود به سایر شاگردان عیسی بپیوندد، اما آنان از او می ترسیدند، زیرا قبول نمی کردند که او واقعاً پیرو عیسی شده باشد. به هر حال برنابا او را برداشت و به حضور رسولان آورد و برای ایشان شرح داد، که چگونه او در راه دمشق خداوند را دیده و چطور خداوند با او سخن گفته و به چه ترتیب شائول در دمشق بی باکانه به نام عیسی وعظ کرده است. (ترجمه کلاسیک)

در باب ۱۵ اعمال شاهدیم که بین پولس و برنابا بر سر بردن مرقس اختلاف نظری صورت می گیرد. نظر پولس این بود که مرقس ضعیف است و نباید در این سفر همراه آنها باشد. در نتیجه پولس سیلاس را با خود می برد و برنابا از پولس جدا شده همراه مرقس به قبرس می رود.

برنابا بار دیگر عطای تشویق و تقویت خود را بکار می گیرد و چنان ثمر می آورد که از یک شخص ضعیف و ترسویی مثل مرقس شخصی می سازد که انجیل مرقس را می نویسد و حتی پولس بعدها به تیموتاوس در رابطه با مرقس چنین سفارش میکند.

دوم تیموتاوس ۱:۴ فقط «لوقا» پیش من است. هرگاه آمدی، «مرقس» را نیز با خود بیاور، زیرا به کمک او احتیاج دارم. (ترجمه کلاسیک)

پس میتوانیم نقش عطای تشویق را توسط برنابا در خدمت پولس و رشد و شکل گیری مرقس مشاهده کرد.

بنابراین تعلیم برای شخص ناآگاه استفاده همیشه اما تشویق برای شخص آگاهی که ضعیف هست بکار گرفته میشود.

نتیجه این پنج عطا

پس میبینید که خدا چگونه کلیسایش را از طریق این پنج عطای گفتاری بنا می کند؟

نبوت حقیقت را اعلام می کند،

کلام علم آن را شرح می دهد.

حکمت آن را به کار می گیرد،

تعلیم، دیگران را در آن سهیم می سازد و در نهایت،

تشویق مردم را دعوت به اطاعت از حقیقت می نماید.

درس آینده به مطالعه سایر عطایای دائمی روح القدس، تحت عنوان عطایای خدمتی خواهیم پرداخت.

فیض و برکت خدا با همه شما باشد و بماند.